

سنجش معنای خصوصیات مسکن با بهره‌گیری از روش ساختار معانی، مورد مطالعاتی: مسکن مهر اندیشه (پبله سحران) اردبیل*

صبا خراسانی مقدم^۱ - فرهنگ مظفر^{۲*} - سید باقر حسینی^۳

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۰۱ تاریخ اصلاحات: ۹۸/۰۴/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۵/۲۲ تاریخ انتشار: ۹۹/۱۲/۳۰

چکیده

ابعاد کمی مسکن مدت‌ها مورد توجه طراحان و سیاست‌گذاران مسکن گروه کم‌درآمد بوده است. این مسأله در حالی است که توجه به ابعاد کیفی و نقش ساکنان در تعیین این ابعاد در بسیاری از مطالعات مورد غفلت واقع شده است. هم‌شکلی مسکن در نقاط مختلف، ساخت مسکن حداقلی تیپ بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی و جایگزینی موضوعات اقتصادی به جای توجه به کیفیت‌های زندگی، گویای کم‌ترین توجه به ابعاد کیفی مسکن این گروه‌های فرهنگی می‌باشد. یکی از مفاهیم کیفی که مورد توجه محققان مسکن قرار گرفته است، «معنای مسکن» از دید ساکنان و شناسایی مؤلفه‌های تعریف‌کننده آن در حوزه مطالعات محیط- رفتار است. با توجه به اهمیت معنا در شکل‌گیری ارتباط میان فرد و محیط مصنوع، پژوهش حاضر روابط فرد با خصوصیات معنادار محیط را مورد توجه قرار می‌دهد و به ارزیابی معنای مسکن از طریق شناسایی معنای خصوصیات فضای داخلی مسکن و رابطه افراد با آن خصوصیات می‌پردازد. به این منظور مطالعه‌ای موردی در پروژه ۱۶۸ واحدی مسکن مهر اندیشه شهر اردبیل صورت گرفت. در این مطالعه از روش «ساختار معانی» به‌عنوان رویکردی از پژوهش کیفی با تکنیک‌های عکس‌برداری، مشاهده میدانی و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته نردبانی استفاده شد. چارچوب مفهومی پژوهش تحت مدل وسیله- هدف گاتمن (۱۹۸۲) و سطوح معنایی راپاپورت (۱۹۸۸)، پیامدها و معانی حاکم بر خصوصیات را در قالب گزاره‌های «خصوصیت، کارکرد آشکار و کارکرد پنهان» تشریح می‌نماید. برای اطمینان از دریافت اطلاعات لازم، مفهوم اشباع نظری تعیین‌کننده تعداد نمونه‌ها، مصاحبه‌ها و دریافت داده‌ها بود. بر اساس نمودار ساختار زنجیره‌ای ارزش، خصوصیات مسکن به‌طور عمده تحت تأثیر معنی «زندگی لذت‌بخش» قرار دارند. پیامدهای دیگر، معانی همچون «روابط اجتماعی»، «استقلال»، «خلوت» و «پیوند با طبیعت» را در مسکن مهیا می‌کنند. نتایج پژوهش علاوه بر ارائه یک چارچوب ساختار یافته برای مطالعه معنای خصوصیات مسکن، بر ارزش‌های اساسی ساکنان و معانی پنهان در رابطه با این خصوصیات تأکید دارد.

واژگان کلیدی: مسکن، خصوصیات مسکن، معنا، گروه کم‌درآمد، مسکن مهر.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «نظام معنایی مسکن گروه کم درآمد از منظر ساکنان (مطالعه موردی سکونتگاه‌های غیررسمی دارای اولویت مداخله شهر اردبیل)» است که در رشته معماری در دانشگاه علم و صنعت ایران به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم در حال انجام است.

** E_mail: fmozafar@au.ac.ir

۱. مقدمه

همراه با افزایش جمعیت در شهرها، جمعیت گروه کم‌درآمد و به تبع آن تقاضای مسکن مناسب و در استطاعت این گروه رو به افزایش است. مسکن گروه کم‌درآمد، مقوله‌ای است که در حوزه مطالعات کیفی مدت‌ها نادیده گرفته شده و یا تفاسیر نادرستی از آن به عمل آمده است. هم‌شکلی مسکن در تمام نقاط کشور، ساخت مسکن حداقلی تیپ بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی و جایگزینی موضوعات اقتصادی به جای توجه به کیفیت‌های زندگی، گویای کم‌ترین توجه به ابعاد کیفی مسکن این گروه‌های فرهنگی می‌باشد. در بسیاری از نقاط جهان، پروژه‌های مسکن اجتماعی به دلیل شکست آن‌ها در پاسخگویی به نیازهای نهایی کاربران مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. در اغلب این پروژه‌ها با توجه به تفاوت‌های فرهنگی میان ساکنان، ویژگی‌ها و خصوصیات مسکن توانایی تأمین نیازهای کیفی و پاسخگویی به سبک زندگی این گروه را نداشته و در ابعاد گوناگون فیزیکی و روحی مشکلاتی را برای آن‌ها پدید آورده‌اند. این مسأله ناشی از آن است که مطالعات صورت گرفته در رابطه با تأمین مسکن برای گروه کم‌درآمد در کشورهای جهان سوم، غالباً تنها بر موضوع سرپناه تمرکز دارند و به‌طور قابل توجهی «مفهوم مسکن^۱» را نادیده گرفته‌اند (Huttman, 1993, p. 464). با توجه به مسائل مطرح شده لزوم دستیابی به درک صحیحی از نیازهای کیفی گروه‌های فرهنگی خاص و آسیب‌پذیر توسط طراحان، معماران و سیاست‌گذاران مسکن و انطباق مسکن با این نیازها بیش از پیش احساس می‌شود. یکی از مفاهیم کیفی که در سال‌های اخیر مورد تأکید محققان مسکن قرار گرفته است، «معنای مسکن» از دید ساکنان و شناسایی مؤلفه‌های تعریف‌کننده آن در حوزه مطالعات محیط-رفتار است. محل سکونت انسان حول محور معنا می‌چرخد و غایت طراحی و ساخت مسکن، معنای آن است (Rapoport, 1990). از سال ۱۹۷۰ میلادی با پیدایش گرایش‌های انسان‌گرایانه در نظریه‌های طراحی محیط، بحث «معنای محیط» به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی سنجش کیفیت فضاهای سکونت، در ادبیات مسکن مورد توجه قرار گرفت (Ghale, noie, Salehinia, & Peymanfar, 2016, p. 58). در آن سال‌ها زمانی که عدم کارایی رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه طرح‌های معماری آشکار شد، گرایش به مشارکت دادن بهره‌بردار در تعیین و تعریف کیفیت محیط افزایش یافت و بسیاری از محققان به جای تمرکز بر ویژگی‌های محصول (مسکن) بر رویکردهای مبتنی بر مصرف‌کننده (ساکنان) تأکید نمودند (Sheth, 1983). در پی این دیدگاه مفهوم «معنی»، جایگاه ویژه‌ای در مباحث نظری یافت و «معنای مسکن» حیطه تحقیقاتی مهمی در پژوهش‌های مسکن و مطالعات محیط-رفتار شد (Coolen, 2006). امروزه یکی از چالش‌های اساسی طراحان دستیابی به انتظام معنای

مسکن و ارائه طرح‌هایی منطبق بر معانی مورد نظر افراد است. چنین درکی از طریق یک چارچوب ساختاریافته که مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری معنا را در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار دهد امکان‌پذیر است. بسیاری از مطالعات انجام شده در حوزه مسکن بر این عقیده‌اند که «معنای مسکن» در ارتباط عملکردی میان «خصوصیات محیط» و «ارزش‌ها و معانی» مورد نظر ساکنان نهفته است و عموماً آن ویژگی‌هایی از خانه مورد توجه افراد است که نقش مؤثری در دستیابی آن‌ها به معانی و ارزش‌ها دارد (Coolen, 2006). بر این اساس پژوهش حاضر با توجه به اهمیت معنا در شکل‌گیری ارتباط میان فرد و محیط مصنوع، روابط فرد با خصوصیات معنادار محیط را مورد توجه قرار می‌دهد و با بهره‌گیری از یک چارچوب ساختار یافته به دنبال استخراج معنای خصوصیات فضای داخلی مسکن و رابطه افراد با آن خصوصیات است. در این راستا پرسش‌های پژوهش به‌صورت زیر قابل طرح هستند:

۱. آیا خصوصیات فضای داخلی مسکن دارای وجوه معنادار برای ساکنان است؟
۲. ساکنان چه معانی را به خصوصیات مسکن نسبت می‌دهند؟

در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت اکتشافی مسئله که مربوط به کشف ساخت‌های ارتباطی خصوصیات فضای داخلی مسکن و معانی آن می‌باشد، از «روش تحقیق کیفی» استفاده شده است. پژوهش کیفی انواع دارد و با شناخت زمینه موضوعی و مسئله پژوهش می‌توان شیوه و ابزار مناسبی برای انجام آن انتخاب نمود. در این پژوهش جهت پاسخ به سؤالات طرح شده و دستیابی به سطوح مختلف معانی، روش «ساختار معنایی^۲» به‌عنوان رویکردی از پژوهش کیفی به‌کار گرفته شده است. «ساختار معنایی» نمونه توسعه یافته مدل وسیله-هدف گاتمن (۱۹۸۲) با جایگزینی سطوح معنایی راپاپورت (۱۹۸۸) است که علاوه بر معانی عملکردی^۳، ارزش‌های^۴ اساسی ساکنان را در ارتباط با خصوصیات مسکن مورد توجه قرار می‌دهد و خصوصیات مسکن را در قالب گزاره‌های تحلیلی سلسله خصوصیت-پیامد (عملکرد آشکار)- معنا (عملکرد پنهان) بررسی می‌کند. با بهره‌گیری از روش ساختار معنا و بر اساس چارچوب مفهومی ارائه شده، یک مطالعه موردی کیفی در محیط مسکونی «مسکن مهر اندیشه» (پبله سحران) شهر اردبیل صورت گرفته است. در این مطالعه از تکنیک‌های مختلف گردآوری اطلاعات همچون عکس‌برداری از محیط مسکن، ترسیم نقشه‌های محیط مسکن و روش‌های اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل ساختار معنا از جمله مصاحبه نیمه‌ساختار یافته نردبانی^۵ استفاده شده است. جهت تحلیل نتایج و کشف ادراکات ساکنان از ماتریس پیوند^۶ و نقشه زنجیره‌ای ارزش^۷ (Gutman, 1982) بهره گرفته شده است. آنچه این پژوهش به دنبال آن است، شناسایی مهم‌ترین خصوصیات فضای داخلی مسکن از نظر

هستند نیز واگذار نمی‌شود و سوم تصمیم‌گیری سیاسی همراه با نیروهای اقتصاد بازار، تأثیر مهمی بر کیفیت و کمیت مسکن اجتماعی دارد (Ahari, 1995).

مسکن قابل استطاعت: قابلیت استطاعت بیانگر جدالی است که هر مالک در ایجاد تعادل بین هزینه واقعی یا محتمل مسکن خود از یک طرف و مخارج غیرمسکونی خود از طرف دیگر مقید می‌شود. در سند ملی استرالیا (۲۰۰۵)، مسکن قابل استطاعت در توصیف مسکنی به کار گرفته می‌شود که شایستگی تأمین نیازهای گروه‌های با درآمد پایین را داشته باشد و به گونه‌ای قیمت‌گذاری شده باشد که بتواند سایر نیازهای اولیه مالکین را نیز تأمین کند (Gurran, 2008).

کشورهای در حال توسعه به سبب رشد جمعیت و افزایش مهاجرت از نواحی روستایی به شهری بیش از سایر نقاط با تقاضای مسکن قابل استطاعت برای گروه‌های کم‌درآمد شهری مواجه هستند و مسأله تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد به یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های دولت‌ها در این نواحی تبدیل شده است (Momtaz, Rafieian, & Aghasafari, 2016). در ایران توجه به مسکن اقشار کم‌درآمد به ابتدای برقراری نظام برنامه‌ریزی در کشور در سال ۱۳۲۷ باز می‌شود. در برنامه‌های هفت ساله اول و دوم عمرانی کشور برای ساخت خانه‌های ارزان قیمت اعتباراتی منظور شد، ولی فعالیت معینی برای اسکان کم‌درآمدها انجام نگرفت. در برنامه عمرانی سوم برای مسکن کم‌درآمدها با هدف پاک کردن زاغه‌ها، برنامه خانه‌های ارزان قیمت منظور شد. در برنامه چهارم عمرانی نزدیک به یکصد هزار واحد مسکونی ارزان قیمت با اقساط دراز مدت در شکل‌های مختلف مجتمع آپارتمانی و تعاونی‌ها پیش‌بینی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی برنامه تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد با تصویب قانون واگذاری زمین و مصالح ارزان و وام کم بهره شکل دیگری گرفت. دولت از سال ۱۳۷۷ طرح مسکن اجتماعی را با عنوان مسکن استیجاری به اجرا درآورد. برنامه دوم و سوم توسعه فعالیت‌های بخش غیردولتی مسکن را در سه بخش مسکن آزاد، مسکن حمایت شده و مسکن اجتماعی ارائه کرد. اما در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۶) به منظور پاسخگویی به انتظارات قانونی و عرفی در زمینه مسکن برای اقشار کم‌درآمد، دولت سیاست احداث «مسکن مهر» را در پیش گرفت. طرح مسکن مهر در قالب واگذاری حق بهره‌برداری از زمین برای ساخت مسکن کوچک با متوسط زیربنای هر واحد ۷۵ متر مربع و با هدف کاهش و حذف هزینه زمین از قیمت تمام شده ساختمان برای انطباق با توان مالی خانوارهای کم‌درآمد و میان‌درآمد در نظر گرفته شد. با توجه به مفاهیم مطرح شده پیرامون چیستی مسکن اجتماعی و مسکن قابل استطاعت، می‌توان هویت مسکن مهر را به مسکن قابل استطاعت نیز نسبت داد (Zabetian, Sadeghi, & Hosein Abadi, 2017). این طرح به صورت جامع در اغلب شهرهای ایران اجرا شده و یا در حال اجراست. جامعیت این طرح و حجم بالای

ساکنان، کشف وجوه معنادار خصوصیات، بررسی معانی آشکار و پنهان مرتبط با آن خصوصیات و در نهایت تعیین ارتباط میان این عناصر است. بر اساس یافته‌های پژوهش انتظار می‌رود محققان و طراحان به درک بهتری از نحوه مطالعه معنا و وجوه کیفی خصوصیات مسکن دست یابند و مهمترین ارزش‌ها و معانی پنهان مورد نظر ساکنان را در طراحی مسکن برای این گروه فرهنگی و ارتقا ابعاد کیفی آن به کار گیرند.

۲. چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر، مبانی نظری در چارچوب مفاهیم مرتبط با «مسکن اقشار کم‌درآمد»، «معنای محیط مصنوع» و «نظریه وسیله-هدف» قابل بررسی است:

۲-۱- مسکن اقشار کم‌درآمد در ایران و جایگاه مسکن مهر

همزمان با انقلاب صنعتی در اواخر قرن نوزدهم، در بسیاری از کشورهای صنعتی تأمین مسکن (به‌ویژه برای گروه کم‌درآمد) با مشکلات جدی مواجه شد. لذا دولت‌ها ناچار به مداخله شدند و با ورود به حیطه تولید مسکن و پرداخت وام و کمک مالی به سازندگان، توانستند بخشی از کمبود مسکن مورد نیاز افراد جامعه را رفع نمایند (Zabe-tian, Sadeghi, & Hosseinabadi, 2017). در ادامه برخی از مفاهیم کلیدی مرتبط با برنامه‌ریزی تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد به اختصار آورده شده‌اند:

گروه‌های کم‌درآمد: خانوارهایی که درآمد ماهیانه آن‌ها حسب مورد کم‌تر از دو برابر حداقل موضوع قانون کار یا قوانین مربوط به استخدام کشوری باشد (Council of Ministers, 2009).

مسکن گروه‌های کم‌درآمد: مسکنی که در قالب برنامه‌های تولید و عرضه مسکن اجاره‌ای، اجاره به شرط تملیک و واگذاری حق بهره‌برداری از زمین احداث می‌شود. همچنین واحدهای مسکونی احداث شده توسط خیرین مسکن‌ساز و واحدهای مسکونی که توسط نهادهای حمایتی به قیمت تمام شده واگذار می‌شوند (Council of Ministers, 2009).

مسکن اجتماعی: این نوع مسکن با مشارکت دولت و به منظور حمایت از گروه‌های کم‌درآمد ایجاد می‌شود. هدف ایجاد این نوع مسکن، بر محور دو پارامتر قرار گرفته است: الف) حداقل امکانات قابل قبول، ب) قرار گرفتن در سطحی پایین‌تر از استانداردهای الگوی مصرف مسکن (Zabetian, Sadeghi, & Hosseinabadi, 2017). مسکن اجتماعی از چند جنبه از سایر انواع مسکن متمایز است: اول آن‌که این نوع مسکن، بدون ملاحظات منفعت طلبانه تأمین می‌شود. دوم آن‌که دولت‌ها، این نوع واحدها را طبق تعریف خود از «نیاز» واگذار نموده و قدرت پرداخت بها یا اجاره آن، عامل تعیین‌کننده‌ای در واگذاری مسکن نیست و در عین حال به کسانی که در بدترین شرایط سکونتی

اقتدار مخاطب آن نشان‌دهنده حساسیت و اهمیت موضوع پژوهش حاضر است.

۲-۲- معنای محیط مصنوع

معنای خانه با تمرکز بر مفهوم آن به‌عنوان یک کلیت به‌طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است (Easthope, 1986; Sixsmith, 2000; Moore, 1999; Kenyon, 2004). در کنار توجه به مفهوم خانه به‌عنوان یک کلیت، به اعتقاد کولن می‌توان معنای آن را بر اساس نحوه استفاده و تجربه ساکنان از خصوصیات مسکن در طول فرآیند سکونت به‌دست آورد. معنا خصوصیت ذاتی موجود در یک شیء نیست، بلکه در جریان روابط متقابل میان اشیا^۱ و کاربران^۲ (استفاده‌کننده‌گان) شکل می‌گیرد (Coolen, 2007). در نتیجه، یک شیء می‌تواند معانی متفاوتی برای کاربران مختلف ارائه دهد و بسته به فعالیت‌های متنوع کاربران، مجموعه متفاوتی از معانی را می‌توان به اشیا نسبت داد. کولن (۲۰۰۵) با در نظر گرفتن این فرضیات که از رویکرد اکولوژیک^۱ الهام گرفته شده است^۱، معنا را به‌عنوان رابطه عملکردی میان فرد و شیء تعریف می‌کند. راپاپورت نیز بر اهمیت معنا در درک محیط مصنوع تأکید دارد. به اعتقاد وی معنا به‌عنوان عاملی که بر اساس آن محیط شکل می‌گیرد و استفاده می‌شود، مکانیزم اصلی در ارتباط محیط مصنوع و افراد است. تمامی محیط‌ها در ارتباط با معانی گوناگون هستند و معنا آشکارکننده «نحوه استفاده از فضا» و شکل دادن به محیط توسط افراد و یکی از

مهم‌ترین عملکردهای محیط مصنوع است (Rapoport, 1988; 1990; 1995).

در شناسایی معانی از لحاظ رابطه عملکردی بین کاربر و محیط ساخته شده، مطالعات گوناگون بر سطوح مختلف معانی تأکید دارند. برای مثال کرامپن^{۱۲} (۱۹۷۹) در پژوهشی که به مطالعه معانی در محیط شهری از بعد نشانه‌شناسی پرداخته بود، ادعا کرد که خصوصیات معماری محیط، معانی را در دو سطح انتقال می‌دهند: معنای اولیه که از عملکرد مستقیم شیء دریافت می‌شود و معنای ثانویه که در ارتباط میان افراد و شیء از طریق استفاده از آن شکل می‌گیرد. به‌طور مشابه راپاپورت (۱۹۸۸) معنای محیط مصنوع را در سه سطح معانی سطح بالا، معنای سطح میانه و معنای سطح پایین طبقه‌بندی می‌کند (جدول ۱). خصوصیات خاص محیط مصنوع مسکن در ارتباط با معانی سطح پایین و میانه می‌باشند در حالی که مسکن به‌عنوان یک مفهوم کلی در برگیرنده معانی سطح بالاست (Coolen, 2007; Rapoport, 1988). به نظر می‌رسد افراد از گروه‌های فرهنگی مختلف، معانی را در سطوح متفاوتی به مسکن و خصوصیات آن نسبت می‌دهند. با توجه به سطوح گوناگونی که پژوهشگران در ارتباط با معنای محیط مصنوع در نظر گرفته‌اند، پژوهش حاضر بدنبال کشف تمام سطوح ممکن شامل معانی سطح پایین یا «کارکرد آشکار» و معانی سطح میانی یا «کارکرد پنهان» برای خصوصیات فضای داخلی مسکن در نمونه مورد بررسی است.

جدول ۱: سطوح مختلف معنای محیط ساخته شده از دید راپاپورت

لایه‌های معنایی	معنای محیط ساخته شده	توضیح معنایی لایه‌ها
سطح بالا	معانی مرتبط با کیهان‌شناسی	طرح‌واره‌های شناختی، جهان‌بینی‌ها و سیستم‌های فلسفی
سطح میانی	وجوه پنهان فعالیت‌ها و رفتار «کارکرد پنهان»	قابلیت کاربردی و عملکردی که برخی مواقع برای استفاده به غیر از کاربرد اولیه خود به‌کار گرفته می‌شود (هویت، قدرت، منزلت و توانگری).
سطح پایین	معانی روزانه و قابل استفاده «کارکرد آشکار»	نشانه‌های مادی برای تعیین کاربردهای هر یک از چیدمان‌ها این سطح بیان‌کننده موقعیت اجتماعی، رفتارهای مورد انتظار، حریم خصوصی، میزان نفوذ و غیره است (دسترسی، خلوت، چیدمان نشیمن، حرکت و غیره).

۲-۳- نظریه وسیله-هدف

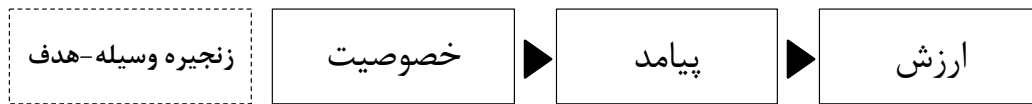
نظریه «زنجیره وسیله-هدف» گاتمن (۱۹۸۲) به‌عنوان یک ساختار نظری و مفهومی ارزش‌های افراد (معانی) و رفتار انتخابی آن‌ها (فعالیت) را به هم مرتبط می‌کند (Meesters, 2009, p. 22; Reynolds & Gutman, 1988). ایده اصلی این نظریه این است که افراد گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که پیامد مطلوب داشته و پیامدهای نامطلوب را به حداقل برساند (Gutman, 1982). بر اساس این فرضیه که محصول «وسیله‌ای» است برای رسیدن به نتیجه مطلوب و شایسته؛ نظریه وسیله-هدف بیان می‌کند که

چگونه خصوصیات فیزیکی محصول، دارای معانی فردی برای کاربران است (Lee & Park, 2010). این تئوری بر چهار فرضیه استوار است: ۱. اهداف و ارزش‌ها بر فرآیند انتخاب تأثیر می‌گذارند و نقش اساسی در انتخاب و هدایت الگوها دارند. ۲. افراد می‌توانند تنوع محصول (خصوصیات مختلف) را با دسته‌بندی آن به منظور کاهش پیچیدگی‌ها و سردرگمی در انتخاب اداره نمایند. ۳. رفتار کاربر دارای پیامد است و این پیامدها برای همه یکسان نیستند. ۴. کاربران یاد می‌گیرند میان رفتارها و پیامدهای خاص ارتباط ایجاد نمایند (Meesters, 2009, p. 21).

و از آن ناشی می‌شود». بر اساس کولن و هاگسترا، پیامد نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم رفتار و فعالیت فرد است و می‌تواند مطلوب یا نامطلوب باشند (Coolen & Hoekstra, 2001). «ارزش‌ها که انتزاعی‌ترین سطح زنجیره را شکل می‌دهند منافع موجود در نهایی‌ترین شکل محصول هستند، که بر اساس ترجیحات و اولویت‌های افراد تعیین می‌شوند و نتایج ادراکی قوی مانند احساس امنیت، شادی، خوشی و لذت دارند (Vriens & Hofstede, 2000). هدایت فعالیت‌های افراد تحت تأثیر ارزش‌ها است، اما «ارزش‌ها از نظر میزان اهمیت برای همه یکسان نیستند و افراد زمانی به اولویت‌بندی ارزش‌ها می‌پردازند که در موقعیت انتخاب میان گزینه‌های مختلف قرار گیرند.

مدل وسیله-هدف در دهه گذشته توجه محققان مسکن را به خود جلب نموده و به‌عنوان یک ابزاری قوی در اندازه‌گیری ویژگی‌های ذهنی کاربران، معانی مورد نظر افراد را در رابطه با چرایی ترجیحات آن‌ها مورد توجه قرار می‌دهد (Zinas & Jusan, 2011, p. 79). این مدل متشکل از یک زنجیره شامل سه مرحله خصوصیت^{۱۳}، پیامد^{۱۴} و ارزش^{۱۵} (Reynolds & Gutman, 1984) است (شکل ۱). «خصوصیت» در برگزیده «کیفیت‌های مربوط به ویژگی‌های فرد و یا شیء» است که به‌صورت «ویژگی‌های فیزیکی یا ادراکی در یک محصول که توسط کاربران انتخاب می‌شوند» تعریف می‌شود (Meesters, 2009). «پیامد» آن چیزی است که «از چیز دیگری پیروی می‌کند

شکل ۱: ساختار مفهومی مدل وسیله-هدف



(Gutman, 1982)

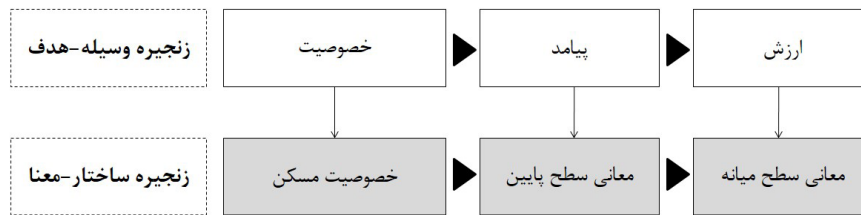
هر پیامد به توانایی آن در برآوردن اهداف و ارزش‌های افراد وابسته است. روش ساختار معنایی برای اولین بار توسط کولن و هاگسترا به‌عنوان یک روش غیرمحاسباتی و کیفی در تحقیقات مسکن (۲۰۰۱) معرفی شد و در ادامه توسط کولن (۲۰۰۸، ۲۰۰۶)، برای اندازه‌گیری معنای مسکن مورد توجه قرار گرفت. کولن با هدف ارائه یک چارچوب مفهومی و روشمند جهت مطالعه «معنای اولویت‌ها برای خصوصیات مسکن» مطالعات گسترده‌ای در این زمینه انجام داد. به اعتقاد او مطالعه «خصوصیات مسکن» در دستیابی به ارزش‌هایی که افراد دنبال می‌کنند بسیار کاربردی است و معنای خصوصیات مسکن در این رابطه کاربردی نهفته است. مطالعات کولن (۲۰۰۸) نشان داد که مدل وسیله-هدف حداقل در بخش‌هایی نیاز به تعدیل دارد. بر طبق این مدل، هر پیامدی باید ارزشی درون خود داشته باشد. اما بر اساس تحقیقات کولن دسته‌بندی دقیق تعریف شده پیامد و ارزش‌های افراد در تمام موارد صادق نبود. او برای حل این نقص پیشنهاد کرد که تصور دسته‌بندی تعریف شده با دقت کم‌تر، مدل وسیله-هدف را انعطاف‌پذیرتر و کارا تر خواهد کرد. کولن و هاگسترا با توجه به این موضوع که دسته‌بندی سطوح معنایی راپاپورت به‌طور مؤثر در مطالعات گذشته به کار نرفته است (Coolen & Hoekstra, 2001)، با جایگزینی سطوح معنایی - که بر اساس آن معنا مکانیزم اصلی در ارتباط فرد و محیط است - به جای دسته‌بندی‌های پیامد و ارزش، کارایی و انعطاف‌پذیری مدل خود را ارتقا دادند و به این ترتیب نه تنها معانی عملکردی خصوصیات مسکن بلکه علت انتساب آن معانی به خصوصیات توسط ساکنان را، مورد بررسی قرار دادند.

زنجیره «وسیله-هدف» در مطالعات مسکن، رویکردی پایین به بالا^{۱۶} است که نقطه شروع آن «ویژگی‌های کالبدی مسکن» است^{۱۷}. در این فرآیند مخاطب می‌تواند یکی از «ویژگی‌های مسکن را انتخاب کند و سپس به مصاحبه‌کننده پاسخ دهد که این ویژگی برای وی چه معنایی دارد؟» (Reynolds & Gutman, 1988). این روش به «تکنیک نردبانی» معروف است. با بهره‌گیری از روش مصاحبه عمیق نردبانی^{۱۸}، محققان اطلاعاتی در مورد اهداف نهفته در انتخاب افراد و نیز در مورد ساختار شناختی آن‌ها به‌دست می‌آورند (Meesters, 2009, p. 22). از طریق این رویکرد نردبانی سه سطح معنایی مشتمل بر معانی عینی و ملموس در سطح خصوصیات و معانی ذهنی و انتزاعی در سطح پیامدها و ارزش‌های فردی قابل شناسایی است.

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی ارتباط ساکنان از گروه‌های فرهنگی کم‌درآمد با خصوصیات فضای داخلی مسکن پرداخته و معانی را که افراد به آن خصوصیات نسبت می‌دهند، مورد توجه قرار می‌دهد. جهت دستیابی به سطوح مختلف معانی، از چارچوب روش‌شناختی و مفهومی ارائه شده توسط کولن (۲۰۰۲) که به «ساختار معنایی» معروف است بهره گرفته می‌شود. «ساختار معنایی» نمونه توسعه یافته مدل وسیله-هدف گاتمن (۱۹۸۲) با جایگزینی سطوح معنایی راپاپورت (۱۹۸۸) است که مجموعه‌ای از معانی در ارتباط با رفتار مورد نظر (فعالیت‌های افراد در مسکن) و خصوصیات (خصوصیات مسکن) را در برمی‌گیرد و خصوصیات مسکن را به سهم آن خصوصیت در تحقق اهداف و ارزش‌ها مرتبط می‌سازد. در این روش هر خصوصیت دارای یک پیامد است و اهمیت

شکل ۲: چارچوب مفهومی: جایگزینی سطوح معنایی راپاپورت در زنجیره وسیله-هدف گاتمن و شکل گیری زنجیره ساختار-معنا



(Coolen & Hoekstra, 2001)

آن‌ها به صورت دو خوابه و ۲۰ درصد تک خوابه است. در نزدیک شدن به افراد و تقاضا برای مصاحبه افرادی انتخاب شدند که صاحب خانواده بوده و تعاملات اجتماعی و مسئولیت بیش‌تری نسبت به خانه و خانواده خود دارند، زیرا احتمال این‌که آن‌ها حساسیت بیش‌تری نسبت به کیفیت‌های محیط داشته باشند بیش‌تر است. مصاحبه شوندگان از میان زنان و مردان با میانگین سنی ۳۵ سال به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. برای اطمینان از دریافت اطلاعات لازم، مفهوم «اشباع نظری» تعیین‌کننده تعداد نمونه‌ها، مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و دریافت داده‌ها بود و گردآوری داده‌ها تا موقع تکراری شدن داده‌ها و عدم دریافت داده جدید ادامه یافت. با این شرایط در مجموع ۸۵ نفر از ساکنان مورد مصاحبه عمیق نردبانی قرار گرفتند. در برخی واحدها هر دو سرپرست خانواده (مرد و زن) در مصاحبه شرکت نمودند. انجام مصاحبه برای هر فرد و بر اساس تعداد خصوصیات مورد نظر مصاحبه شونده حدود بیست الی چهل دقیقه به طول انجامید. فرآیند نمونه‌گیری تا تکراری شدن زنجیره‌های ساختار معانی ادامه یافت. زنجیره‌های معیوب که بر اساس تحلیل محتوای داده‌ها به ارزش و معنای مشخصی ختم نمی‌شدند از جریان تحلیل حذف شدند. بر اساس پاسخ مصاحبه شوندگان، برای هر پاسخ دهنده یک الی سه زنجیره ارزشمند ثبت و مورد تحلیل قرار گرفت.

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر بر اساس سطوح معنایی راپاپورت (۱۹۸۸) و زنجیره وسیله-هدف گاتمن (۱۹۸۲) به صورت شکل ۲ ارائه شده است. این چارچوب متشکل از مجموعه‌ای از خصوصیات مسکن، معانی سطح پایین و روزانه (کارکرد آشکار) و معانی سطح میانه (کارکرد پنهان) مرتبط با آن خصوصیات است و در آن، زنجیره‌ای از «خصوصیات، کارکرد آشکار و کارکرد پنهان» ساختار معنا را شکل می‌دهند (Coolen, 2006; 2008).

۴. روش‌شناسی

در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت مسئله که به کشف وجوه پدیده‌ها و معانی حاکم بر خصوصیات مسکن ارتباط دارد، از روش ساختار معنایی به‌عنوان رویکردی از تحقیق کیفی (Charmaz, 2006) با تکنیک‌های مختلف گردآوری اطلاعات همچون عکس‌برداری از محیط، مشاهده میدانی و تکنیک‌های اندازه‌گیری و تجزیه تحلیل روش ساختار-معنا (Coolen, 2008)، یعنی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته نردبانی استفاده شد.

۴-۱- محدوده مورد مطالعه

نمونه مورد بررسی تحقیق پروژه ۱۶۸ واحدی اندیشه (پبله سحران) واقع در جنوب شرقی شهر اردبیل است. میانگین مساحت واحدهای مسکونی ۷۵ متر مربع، ۸۰ درصد

شکل ۳: سایت پلان مجموعه



۴-۲- جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

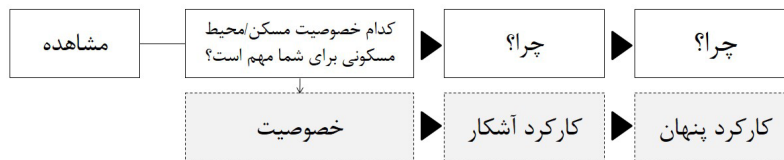
در این پژوهش اندازه‌گیری و تحلیل اجزا زنجیره ساختار معنایی (Coolen, 2006; 2008) و ارتباط میان اجزا، در شش مرحله انجام می‌شود:

۱) استخراج خصوصیات مسکن: در این مرحله لیستی از خصوصیات رایج فضای داخلی مسکن با استفاده از روش مشاهده و اطلاعات حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای توسط محققان تهیه می‌شوند و بر روی کارت‌هایی در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار می‌گیرند (Reynolds, Dethloff, & Westberg, 2001).

۲) انتخاب خصوصیات: در این مرحله پاسخ‌دهندگان، به انتخاب خصوصیات مهم از میان خصوصیات ارائه شده در کارت‌ها می‌پردازند (Coolen, 2006, p. 81). این خصوصیات ترجیح و اولویت ساکنان را در رابطه با خصوصیات مسکن نشان می‌دهند. امکان افزودن خصوصیتی از مسکن که در فهرست نبوده و برای ساکنان حائز اهمیت است در این مرحله وجود دارد و پاسخ‌دهندگان محدودیتی در انتخاب تعداد خصوصیات ندارند. برای دستیابی به زنجیره‌های معنادار، آن دسته از خصوصیات مسکن که توسط بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان ذکر شدند در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند (Coolen, 2007). در پژوهش حاضر در رابطه با «فضای داخلی مسکن»، پنج خصوصیت اندازه واحد مسکونی، تعداد اتاق‌ها، اندازه اتاق‌نشیمن، تراس اختصاصی و صدابندی اتاق‌ها بیش از خصوصیات دیگر

توسط ساکنان ذکر شدند.
۳) انجام مصاحبه نردبانی و تعیین زنجیره ساختار معنایی: مصاحبه نردبانی مرحله اصلی تحلیل و اندازه‌گیری زنجیره ساختار معنایی است. در این مرحله برای شکل‌گیری زنجیره ساختار معنایی از تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته معروف به تکنیک نردبانی (Gutman, 1982)، بهره گرفته می‌شود. این تکنیک با هدف شناسایی ارتباط میان اجزای اصلی زنجیره یعنی «خصوصیات (DA)، کارکرد آشکار (MF) و کارکرد پنهان (LF)»، شامل یک فرآیند مصاحبه مستقیم با طرح سؤال «چرا آن خصوصیت برای شما مهم است؟» است. سؤال «چرا» در مقابل پاسخ مصاحبه‌شوندگان تکرار می‌شود و این فرآیند تا زمانی ادامه می‌یابد که پاسخ‌دهندگان نتوانند پاسخ‌های بیش‌تری به این سؤال ارائه دهند (Coolen & Hoekstra, 2001, p. 296). قدم اول این فرآیند با خصوصیت‌هایی که در مرحله قبل توسط ساکنان انتخاب شده‌اند آغاز می‌شود. فرآیند انجام مصاحبه در شکل ۴ قابل مشاهده است. در ادامه، زنجیره‌های ساختار معنایی براساس مصاحبه‌ها تعیین می‌شوند. ابتدا یک تحلیل محتوا^{۱۹} روی اطلاعات گردآوری شده از مصاحبه‌ها انجام می‌شود (Krippen-dorff, 2018) و به شکل‌گیری مجموعه‌ای از زنجیره‌ها برای پاسخ‌دهندگان می‌انجامد. نمونه زنجیره‌های ساختار معنایی خلاصه شده^{۲۰} در رابطه با خصوصیات فضای داخلی مسکن در شکل ۵ قابل مشاهده است.

شکل ۴: فرآیند انجام مصاحبه نردبانی



شکل ۵: نمونه زنجیره‌های ساختار معنایی خلاصه شده خصوصیات فضای داخلی در فرآیند انجام مصاحبه نردبانی

زنجیره ۱		زنجیره ۲		زنجیره ۳	
LF	خلوت	LF	روابط اجتماعی	LF	استقلال مالی
MF	استراحت از کار	MF	گذران وقت با خانواده و دوستان	MF	افزایش درآمد
MF	فضای خصوصی	MF	مبلمان و دکوراسیون	MF	کار در خانه
MF	فضای بیشتر	MF	فضای بیشتر	MF	انتقال کمتر صدا و کاهش مزاحمت
DA	تعداد اتاق	DA	اندازه نشیمن	DA	صدا بندی اتاق‌ها
زنجیره ۴		زنجیره ۵		زنجیره ۶	
LF	کیفیت زندگی	LF	پیوند با طبیعت	LF	رضایت از زندگی
MF	آسایش و راحتی	MF	پرورش گل و گیاه	MF	گذران وقت با خانواده و دوستان
MF	مبلمان مناسب فضا	MF	تراس اختصاصی	MF	فضای بیشتر
MF	فضای بیشتر	DA		DA	اندازه نشیمن
DA	اندازه واحد مسکونی				

بیان شود (Corbin & Strauss, 2008; Saldana, 2010). کدگذاری نظام‌مند داده‌ها در این فرآیند، موجب توجه کامل به همه داده‌ها و لحاظ آن‌ها در پژوهش می‌شود. هنگام توسعه کدها، از بوجد آمدن زنجیره‌های گسترده و شکل‌گیری معانی مبهم جلوگیری می‌شود. برای رعایت «روایی» فرآیند کدگذاری محتوای مصاحبه‌ها، محتوای ضبط شده مصاحبه‌ها توسط نویسندگان کنترل می‌شود تا با ایجاد «توافق نظری» اطمینان لازم از سنجش درست مؤلفه‌های پژوهش در روند کدگذاری مصاحبه‌ها به‌وجود آید. برای رعایت «پایایی»، کدگذاری محتوای مصاحبه‌ها در دو گروه به‌صورت موازی و مستقل از هم صورت می‌گیرد که با توجه به یکسان بودن نتایج کدگذاری‌ها، از ثبات نتایج حاصل از اجرای مصاحبه اطمینان حاصل می‌شود. کدهای نهایی در جدول ۲ قابل مشاهده است.

۵) کدگذاری زنجیره ساختار معنایی: در ادامه اجزای زنجیره‌های ساختار معنایی در سه مرحله کدگذاری شده و بر اساس موضوع و سطحشان در زنجیره تقسیم می‌شوند. در مرحله اول، همه داده‌ها به‌صورت «کدگذاری باز» مورد توجه قرار می‌گیرند. این مرحله فرآیندی تحلیلی است که طی آن مفاهیم شناسایی و بر اساس خصوصیات و ابعادشان بسط داده می‌شوند. در مرحله دوم، داده‌ها به‌صورت «انتخابی» در جداول تحلیل داده‌ها کدگذاری می‌شوند. در این مرحله مقولات به‌دست آمده از کدگذاری باز تفکیک شده و آن دسته از مقولات که با پرسش تحقیق بیش‌ترین ارتباط را دارند، از میان کدهای به‌وجود آمده انتخاب می‌شوند. در مرحله سوم، داده‌های تحلیلی «کدگذاری محوری» می‌شوند تا نکات تحلیلی برای نتیجه‌گیری پژوهش به‌دست آید. این مرحله ارائه تصویری اجمالی از ماجرا و مورد است و باید با عبارت‌های مختصر و کوتاه

جدول ۲: نتایج حاصل از کدگذاری زنجیره ساختار معنایی خصوصیات فضای داخلی

کارکرد پنهان	کارکرد آشکار	خصوصیت مسکن
(۶) فضای بیش‌تر	(۷) فعالیت	(۱) اندازه واحد مسکونی
(۸) ارتباط با طبیعت	(۹) فضای خصوصی	(۲) تعداد اتاق‌ها
(۱۰) گذراندن وقت با اعضای خانواده و دوستان	(۱۱) چیدمان و دکوراسیون	(۳) اندازه اتاق نشیمن
(۱۲) آرامش و راحتی	(۱۳) کار در خانه	(۴) تراس اختصاصی
(۱۴) سرگرمی	(۱۵) استراحت/ استراحت از کار	(۵) صدابندی اتاق‌ها

ارتباط غیرمستقیم هستند. برای شکل‌گیری ماتریس پیوند ابتدا کدهای نهایی شماره‌گذاری می‌شوند (جدول ۲). این شماره‌ها برای نشان دادن عناصر در ماتریس پیوند به‌کار می‌روند. اعداد موجود در ماتریس پیوند به‌صورت اعشاری^{۲۲} نمایش داده می‌شوند (جدول ۳)، به‌طوری که تعداد روابط مستقیم در سمت چپ و تعداد روابط غیرمستقیم در سمت راست اعشار قرار می‌گیرند. برای مثال اندازه واحد مسکونی (۱) با فضای خصوصی (۹)، چهار بار به‌طور مستقیم و دو بار به‌طور غیرمستقیم در ارتباط است.

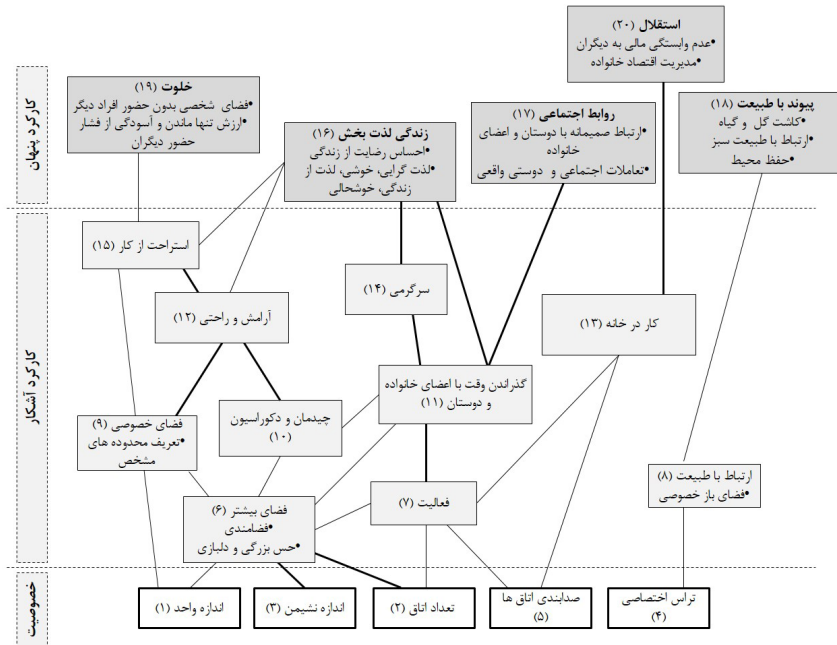
۶) تشکیل نقشه زنجیره‌ای ارزش^{۲۱}: در این مرحله از تحلیل، زنجیره‌های کدگذاری شده توسط یک ماتریس پیوند جمع می‌شوند. ماتریس پیوند یک ماتریس مربعی است که ارتباط میان اجزای زنجیره را نشان می‌دهد و بر تعداد دفعاتی که هر عنصر با سایر عناصر در ارتباط است دلالت دارد (Reynolds & Gutman, 1988; Lee & Park, 2010, p. 116). در این ماتریس دو نوع ارتباط میان عناصر مورد توجه است: ارتباط مستقیم و غیرمستقیم. در ارتباط مستقیم هر عنصر با عنصر دیگر بدون حضور عنصر مداخله‌گر در ارتباط است. در ارتباط غیرمستقیم دو عنصر از طریق یک یا چند عنصر دیگر با هم دارای

جدول ۳: ماتریس پیوند خصوصیت فضای داخلی مسکن

	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
۱ اندازه واحد مسکونی	۰.۰۳	۰.۰۴		۰.۰۵	۰.۰۶	۰.۰۴	۰.۰۲	۰.۰۴	۰.۰۳	۰.۰۶	۰.۰۴	۰.۰۲		۰.۰۳	۷
۲ تعداد اتاق‌ها		۰.۰۳		۰.۰۶	۰.۰۷	۰.۰۴	۰.۰۲	۰.۰۳	۰.۰۴	۰.۰۶	۰.۰۵	۰.۰۶		۷	۹
۳ اندازه نشیمن			۰.۰۵	۰.۰۳		۰.۰۶	۰.۰۸	۰.۰۲	۰.۰۴	۰.۰۳	۰.۰۳	۰.۰۴	۰.۰۵	۰.۰۳	۱۲
۴ تراس اختصاصی					۰.۰۶										۶

	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	
۵	۰.۰۶			۰.۰۴	۰.۰۵		۰.۰۴	۶.۰۴		۰.۰۵				۶	۵	صدابندی اتاق‌ها
۶	۰.۰۴	۰.۰۶		۰.۰۷	۰.۱۰	۰.۰۴	۲.۰۲	۰.۰۳	۰.۰۴	۷	۵	۳		۴		فضای بیش‌تر
۷	۰.۰۶			۰.۰۴	۰.۰۹			۰.۰۳	۶	۱۱						فعالیت
۸			۹													ارتباط با طبیعت
۹		۰.۰۴			۰.۰۷	۶.۰۳			۱۲							فضای خصوصی
۱۰		۰.۰۴			۰.۰۵	۰.۰۵	۰.۰۴	۰.۰۳	۹	۷						چیدمان و دکوراسیون
۱۱				۱۳	۱۲.۰۳		۹									گذراندن وقت با خانواده و دوستان
۱۲		۰.۰۵			۶.۰۳	۱۰										آرامش و راحتی
۱۳	۱۳															کار در خانه
۱۴					۱۰											سرگرمی
۱۵			۸		۷											استراحت از کار
۱۶																زندگی لذت بخش
۱۷																روابط اجتماعی
۱۸																پیوند با طبیعت
۱۹																خلوت
۲۰																استقلال

شکل ۶: نقشه زنجیره‌ای ارزش خصوصیات فضای داخلی مسکن بر مبنای ماتریس پیوند



عملکرد آشکار و عملکرد پنهان» و جهت‌گیری‌های ادراکی غالب اشاره دارد (شکل ۶).

۷) تحلیل و تفسیر نقشه زنجیره‌ای ارزش: پس از طی هفت مرحله ذکر شده، نقشه زنجیره‌ای مورد تحلیل قرار می‌گیرد و معانی حاکم بر خصوصیات فضای داخلی مسکن در نمونه مورد بررسی به دست می‌آید. این نتایج

نقشه زنجیره‌ای ارزش از داده‌های جمع‌آوری شده در ماتریس پیوند ساخته می‌شود تا تمامی زنجیره‌های معین را به نحوی که خواندن و تفسیر آن آسان باشد، به هم مرتبط کند (Reynolds & Gutman, 1988). این نقشه نشان‌دهنده تمام زنجیره‌های نردبانی پاسخ‌دهندگان در یک نقشه واحد است که بر روابط میان عناصر «خصوصیت،

مطابق با چارچوب نظری پژوهش، وجوه معنادار حاکم بر خصوصیات فضای داخلی مسکن را بیان می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد اطمینان مناسبی از «اعتبار نتیجه‌گیری نهایی» و انطباق آن با اهداف تحقیق حاصل شود.

۵. شناسایی خصوصیات فضای داخلی مسکن

در مطالعات میدانی و همچنین نتایج تحلیلی این پژوهش در قالب نقشه زنجیره‌ای ارزش، مفهوم خصوصیات فضای داخلی مسکن بررسی شد. بر اساس نتایج، پنج خصوصیت در رابطه با فضای داخلی به‌عنوان خصوصیات مهم برای ساکنان با معانی مثبت مورد توجه هستند و تسهیل‌کننده دستیابی آن‌ها به ارزش‌ها و اهدافشان می‌باشند. این خصوصیات عبارت‌اند از: اندازه واحد مسکونی، تعداد اتاق‌ها، اندازه اتاق نشیمن، تراس اختصاصی و صدابندی اتاق‌ها. پس از بررسی نتایج مصاحبه‌ها و بر اساس نمودار زنجیره‌ای ارزش نکات ذیل قابل ارائه است:

اندازه واحد مسکونی: این خصوصیت با دو پیامد «فضای بیش‌تر» ($n=7$) و «فضای خصوصی» ($n=4$) به‌صورت مستقیم و با پنج پیامد «چیدمان و دکوراسیون»، «گذران وقت با اعضای خانواده و دوستان»، «آرامش و راحتی»، «سرگرمی» و «استراحت از کار»، به‌طور غیرمستقیم در ارتباط است. اهمیت این خصوصیت برای ساکنان پیرو چهار ارزش (معنی) «زندگی لذت بخش»، «روابط اجتماعی»، «خلوت» و «استقلال» است. این معانی بیان‌کننده نیت و اهدافی است که افراد در ذهن دارند و در ارزیابی افراد از خصوصیت «اندازه واحد مسکونی» - که به اعتقاد آن‌ها تسهیل‌کننده دستیابی به آن معانی است - منعکس می‌شوند. نقشه زنجیره‌ای ارزش در شکل ۶ ارتباط میان خصوصیات، کارکردهای آشکار (پیامد) و کارکردهای پنهان (معانی) را نشان می‌دهد. یکی از قوی‌ترین زنجیره‌ها مربوط به ارتباط میان اندازه واحد مسکونی - فضای بیش‌تر ($n=7$) - گذران وقت با اعضای خانواده و دوستان ($n=7$) - روابط اجتماعی ($n=13$) / زندگی لذت‌بخش ($n=12$) است. این ارتباط نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان گذران وقت با اعضای خانواده و دوستانشان را تحت تأثیر داشتن فضای بیش‌تر، به اندازه واحد مسکونی نسبت می‌دهند و ارزش‌های «روابط اجتماعی» و «زندگی لذت‌بخش» که از معانی مهم مورد توجه ساکنان هستند از این طریق برآورده می‌شوند. زنجیره دیگر بر ارتباط اندازه واحد مسکونی - فضای خصوصی ($n=4$) - آرامش و راحتی ($n=12$) - استراحت از کار ($n=10$) - خلوت ($n=8$) / زندگی لذت‌بخش ($n=7$) اشاره دارد. این ارتباط نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان آرامش و راحتی و استراحت از کار را تحت تأثیر داشتن فضای خصوصی برای هر فرد، به اندازه واحد مسکونی نسبت می‌دهند و مفهوم «خلوت» از این طریق برآورده می‌شود. همچنین بر اساس نقشه زنجیره‌ای ارزش، «استراحت از کار بدون حضور افراد دیگر» تأمین‌کننده

ارزش «زندگی لذت بخش و احساس رضایت از زندگی» برای ساکنان است. خصوصیت اندازه واحد مسکونی از طریق زنجیره اندازه واحد - فضای بیش‌تر ($n=7$) - فعالیت ($n=4$) - کار در خانه ($n=6$) - استقلال ($n=13$) به تأمین ارزش استقلال که از مفاهیم مهم برای ساکنان است و به معنای عدم وابستگی مالی و مدیریت اقتصاد خانواده است، منجر می‌شود.

تعداد اتاق‌ها: این خصوصیت با دو پیامد «فضای بیش‌تر» و «فعالیت» به‌طور مستقیم و با پیامدهای «فضای خصوصی»، «چیدمان و دکوراسیون»، «گذران وقت با اعضای خانواده و دوستان»، «آرامش و راحتی»، «کار در خانه»، «سرگرمی»، «استراحت از کار» به‌طور غیرمستقیم در ارتباط است. در میان این پیامدها، «فضای بیش‌تر» ($n=9$) و «فعالیت» ($n=7$) دارای قوی‌ترین ارتباط با خصوصیت «تعداد اتاق» می‌باشند. اهمیت این خصوصیت برای ساکنان پیرو چهار ارزش (معنی) «زندگی لذت بخش»، «روابط اجتماعی»، «خلوت» و «استقلال» است. یکی از قوی‌ترین زنجیره‌ها مربوط به ارتباط میان تعداد اتاق - فضای بیش‌تر ($n=9$) - گذران وقت با اعضای خانواده و دوستان ($n=7$) - روابط اجتماعی ($n=13$) / زندگی لذت‌بخش ($n=12$) است. این ارتباط نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان گذران وقت با اعضای خانواده و دوستان را تحت تأثیر داشتن فضای بیش‌تر، به تعداد اتاق‌ها نسبت می‌دهند و امکان تأمین ارزش «روابط اجتماعی» و «زندگی لذت‌بخش» از این طریق وجود دارد. زنجیره تعداد اتاق - فعالیت ($n=7$) - گذران وقت با اعضای خانواده و دوستان ($n=11$) - روابط اجتماعی ($n=13$) / زندگی لذت‌بخش ($n=12$) نیز بر اهمیت دو ارزش «زندگی لذت بخش»، «روابط اجتماعی» که از طریق پیامد «فعالیت» تأمین می‌شوند، تأکید دارد. زنجیره تعداد اتاق - فعالیت ($n=7$) - کار در خانه ($n=7$) - استقلال ($n=11$) از دیگر زنجیره‌های قوی در نمودار است. بر اساس این زنجیره ساکنان پیامد کار در خانه را، تحت تأثیر پیامد فعالیت به تعداد اتاق‌ها نسبت می‌دهند و ارزش «استقلال» از طریق این ارتباط برآورده می‌شود. همچنین خصوصیت تعداد اتاق طبق زنجیره‌های تعداد اتاق - فضای بیش‌تر - فضای خصوصی / آرامش و راحتی / استراحت از کار / چیدمان و دکوراسیون - خلوت، با ارزش خلوت در ارتباط است. به این معنی که خصوصیت مورد بررسی به‌واسطه پیامدهای مذکور تأمین‌کننده ارزش «خلوت» برای ساکنان است. به نظر می‌رسد در رابطه با این خصوصیت ارزش‌های «زندگی لذت بخش» ($n=7$) و «روابط اجتماعی» ($n=5$) از مهم‌ترین معانی مورد نظر ساکنان هستند که از طریق پیامدهای (مستقیم و غیرمستقیم) آن تأمین می‌شوند.

اندازه نشیمن: این خصوصیت با پیامد «فضای بیش‌تر» به‌طور مستقیم و با پیامدهای «فعالیت»، «فضای خصوصی»، «چیدمان و دکوراسیون»، «گذران وقت با

زنجیره‌های زیر با معانی مورد نظر ساکنان در ارتباط است:
 - صدابندی اتاق‌ها- فعالیت (n=6) - گذران وقت با اعضای خانواده و دوستان (n=11) - روابط اجتماعی (n=13) / زندگی لذت‌بخش (n=12)
 - صدابندی اتاق‌ها- فعالیت (n=6) - کار در خانه (n=6) - استقلال (n=11)
 - صدابندی اتاق‌ها - کار در خانه (n=6) - استقلال (n=11) ارتباط موجود در زنجیره‌ها نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان ارزش روابط اجتماعی و زندگی لذت‌بخش را از طریق پیامد گذران وقت با اعضای خانواده و دوستان به خصوصیت صدابندی اتاق‌ها را در رابطه با فضای داخلی مسکن نسبت می‌دهند. همچنین خصوصیت مذکور از طریق پیامد کار در خانه، ارزش استقلال را برای ساکنان برآورده می‌کند. بر اساس نمودار زنجیره‌ای ارزش و ماتریس پیوند، مهم‌ترین خصوصیات فضای داخلی مسکن از نظر ساکنان شناسایی و معانی آشکار و پنهان مرتبط با آن خصوصیات مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت تعیین «ارتباط میان عناصر زنجیره ساختار معنایی» که از اهداف اصلی پژوهش حاضر است میسر می‌شود. جدول ۴ فراوانی ارزش‌ها و معانی پنهان حاصل از مصاحبه عمیق نردبانی را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول به ترتیب ارزش‌های زندگی لذت‌بخش (n=80)، روابط اجتماعی (n=50)، استقلال (n=42)، خلوت (n=39) و پیوند با طبیعت (n=15) دارای فراوانی بیش‌تری هستند. یافته‌ها نشان می‌دهند که این معانی از طریق خصوصیات مسکن و پیامدهای حاصل از آن‌ها قابل پاسخگویی می‌باشند. به این ترتیب می‌توان ارزش «زندگی لذت‌بخش» و «روابط اجتماعی» را تحت تأثیر خصوصیت‌های اندازه واحد مسکونی، تعداد اتاق، اندازه نشیمن، صدابندی اتاق‌ها و پیامدهای حاصل از آن‌ها برای ساکنان تأمین نمود. همچنین ارزش «استقلال» از طریق خصوصیت‌های تعداد اتاق‌ها و صدابندی اتاق‌ها، ارزش «خلوت» از طریق خصوصیت‌های اندازه واحد مسکونی، تعداد اتاق، اندازه نشیمن و ارزش «پیوند با طبیعت» از طریق خصوصیت تراس اختصاصی و پیامدهای حاصل از این خصوصیت قابل تأمین هستند.

اعضای خانواده و دوستان»، «آرامش و راحتی»، «کار در خانه»، «سرگرمی»، «استراحت از کار» به‌طور غیرمستقیم در ارتباط است. اهمیت این خصوصیت برای ساکنان پیرو چهار ارزش «زندگی لذت‌بخش»، «روابط اجتماعی»، «خلوت» و «استقلال» است. این خصوصیت همانند خصوصیات اندازه واحد مسکونی و تعداد اتاق دارای بیش‌ترین ارتباط مستقیم با پیامد فضای بیش‌تر (n=12) است و از طریق زنجیره‌های زیر با معانی مورد نظر ساکنان در ارتباط است:

- اندازه نشیمن - فضای بیش‌تر (n=12) - گذران وقت با اعضای خانواده و دوستان (n=7) - روابط اجتماعی (n=13) / زندگی لذت‌بخش (n=12)

- اندازه نشیمن - فضای بیش‌تر (n=8) - چیدمان و دکوراسیون (n=5) - آرامش و راحتی (n=9) - استراحت از کار (n=10) - خلوت (n=8) / زندگی لذت‌بخش (n=7) - اندازه نشیمن - فضای بیش‌تر (n=8) - فعالیت (n=4) - کار در خانه (n=6) - استقلال (n=13)

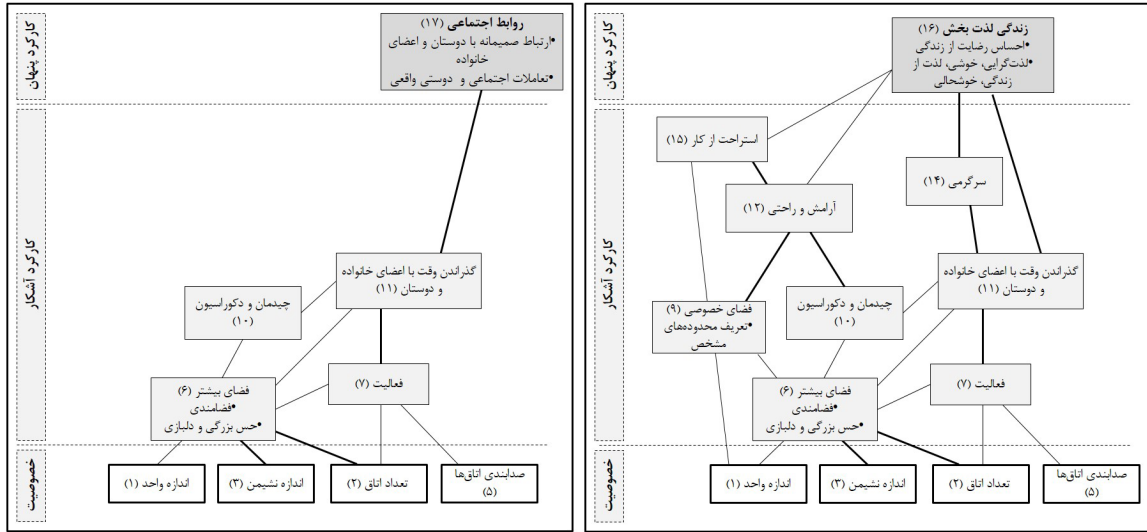
میان ارزش‌های ذکر شده «زندگی لذت‌بخش» و «روابط اجتماعی» از مهم‌ترین معانی مورد نظر ساکنان هستند که از طریق پیامدهای (مستقیم و غیرمستقیم) خصوصیت اندازه نشیمن تأمین می‌شوند.

تراس اختصاصی: این خصوصیت با پیامدهای «ارتباط با طبیعت» به‌طور مستقیم در ارتباط است. اهمیت این خصوصیت برای ساکنان پیرو ارزش «پیوند با طبیعت» است. زنجیره تراس اختصاصی - ارتباط با طبیعت (n=6) - پیوند با طبیعت (n=9)، اصلی‌ترین زنجیره ارتباطی برای این خصوصیت است. طبق این زنجیره ساکنان ارتباط با طبیعت سبز را در گروه داشتن فضای باز خصوصی می‌دانند و ارزش «پیوند با طبیعت» از این طریق برآورده می‌شود. صدابندی اتاق‌ها: این خصوصیت با پیامد «فعالیت» و «کار در خانه» به‌طور مستقیم و با پیامدهای «گذران وقت با اعضای خانواده و دوستان» و «سرگرمی» به‌طور غیرمستقیم در ارتباط است. اهمیت این خصوصیت برای ساکنان پیرو سه ارزش «زندگی لذت‌بخش»، «روابط اجتماعی» و «استقلال» است. این خصوصیت از طریق

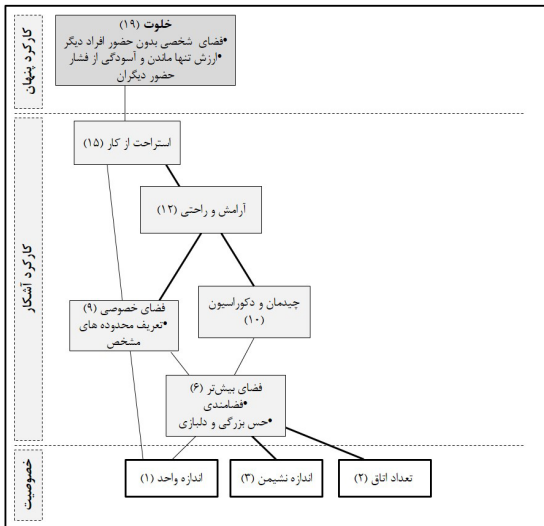
جدول ۴: فراوانی ارزش‌های حاصل از مصاحبه عمیق نردبانی بر اساس جدول ۳ (تعداد دفعاتی که ارزش‌ها توسط مصاحبه‌شوندگان مطرح شده‌اند)

ارزش	فراوانی
زندگی لذت‌بخش	۸۱
روابط اجتماعی	۵۰
پیوند با طبیعت	۱۵
خلوت	۳۹
استقلال	۴۰

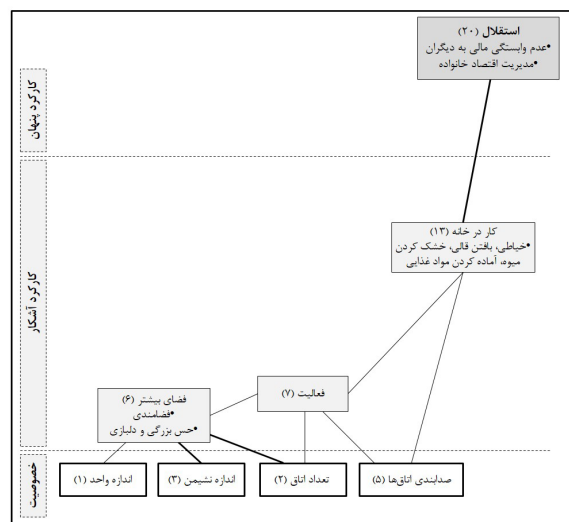
شکل ۷: ارزش زندگی لذت بخش، خصوصیات و پیامدهای مرتبط
 شکل ۸: ارزش روابط اجتماعی، خصوصیات و پیامدهای مرتبط



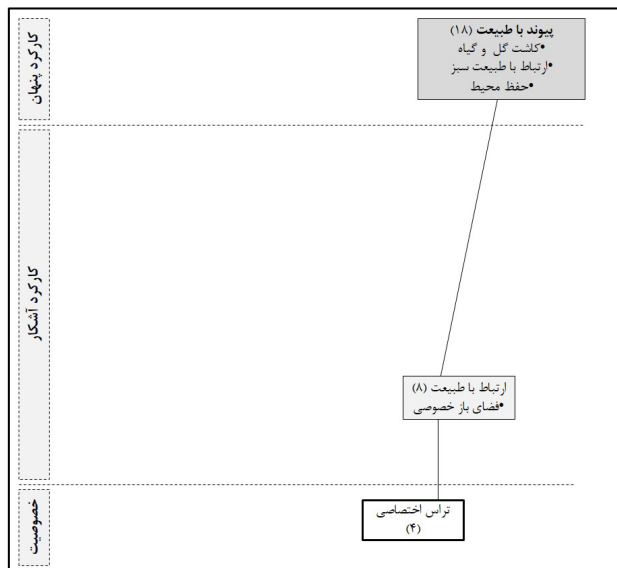
شکل ۱۰: ارزش خلوت، خصوصیات و پیامدهای مرتبط



شکل ۹: ارزش استقلال، خصوصیات و پیامدهای مرتبط



شکل ۱۱: ارزش پیوند با طبیعت، خصوصیات و پیامدهای مرتبط

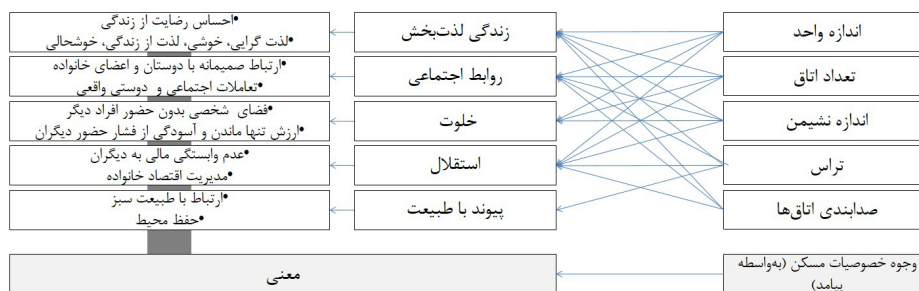


۶. نتیجه‌گیری

هستند. مطابق با نتایج تجربی، مهم‌ترین معانی و ارزش‌های تأثیرگذار بر خصوصیات فضای داخلی مسکن مهر شامل «زندگی لذت‌بخش» و «روابط اجتماعی» می‌باشند که به‌طور قابل توجهی خصوصیات کالبدی از جمله «اندازه واحد مسکونی»، «تعداد اتاق‌ها»، «اندازه نشیمن»، «تراس» و «صدابندی اتاق‌ها» را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ارزش «استقلال» از طریق خصوصیت‌های «تعداد اتاق‌ها» و «صدابندی اتاق‌ها» و ارزش «خلوت» از طریق خصوصیت‌های «اندازه واحد مسکونی»، «تعداد اتاق»، «اندازه نشیمن» قابل تأمین هستند. ارزش «پیوند با طبیعت» نیز به‌دلیل پیامدهای تأثیرگذار آن بر خصوصیات مسکن برای رفع نیاز به فضای باز مستقل، اهمیت خاص خود را دارد و از طریق خصوصیت «تراس اختصاصی» و پیامدهای حاصل از این خصوصیت قابل تأمین است. این معانی که حاصل از تحلیل مشاهدات و مصاحبه‌های پژوهش بوده‌اند، قوانین و ارزش‌های ذهنی گروه کم‌درآمد ساکن در مسکن مهر اندیشه هستند که می‌توانند بر شکل‌گیری خصوصیات مسکن گروه کم‌درآمد تأثیرگذار باشند. بنابراین بر اساس یافته‌ها خصوصیات فضای داخلی مسکن برای ساکنان معنادار هستند و بر ارزش‌های فرهنگی حاکم بر هر خصوصیت تأکید دارند. پس در پاسخ به پرسش اول و دوم تحقیق می‌توان گفت که خصوصیات فضای داخلی مسکن برای گروه کم‌درآمد در محدوده مورد بررسی، دارای وجوه معنادار هستند و شامل معانی «زندگی لذت‌بخش»، «روابط اجتماعی»، «استقلال»، «خلوت» و «پیوند با طبیعت» می‌شوند.

پژوهش حاضر بر اساس چارچوب مفهومی ارائه شده توسط کولن (۲۰۰۶) که در آن معنای مسکن در ارتباط عملکردی میان خصوصیات مسکن از یک طرف و اهداف و ارزش‌های افراد از طرف دیگر نهفته است، و نیز با بهره‌گیری از تئوری وسیله-هدف گاتمن (۱۹۸۲) و سطوح معانی راپاپورت (۱۹۸۸) به‌عنوان پایه‌های نظری، ساختار معنایی خصوصیات فضای داخلی مسکن برای گروه کم‌درآمد ساکن در مسکن مهر اندیشه اردبیل را مورد بررسی قرار داد. در قالب چارچوب مفهومی، عملکردهای آشکار (معانی روزانه و سطح پایین) خصوصیات مسکن از طریق دسته بندی پیامدها و عملکردهای پنهان (معانی سطح میانه) از طریق دسته‌بندی ارزش‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. روابط متقابل میان پیامدها (عملکردهای پنهان) و ارزش‌ها (عملکردهای پنهان) برای پنج خصوصیت مورد نظر ساکنان شامل اندازه واحد مسکونی، تعداد اتاق، اندازه نشیمن، صدابندی اتاق‌ها و تراس اختصاصی روی نمودار زنجیره‌ای ارزش نشان داده شد. در بررسی ارتباط میان این عناصر، نحوه پاسخگویی به ارزش‌ها و معانی پنهان مورد توجه ساکنان مشخص و خصوصیات مسکن و پیامدهای حاصل از آن خصوصیات در رابطه با ارزش مورد نظر شناسایی شد. بررسی نمودار زنجیره‌ای ارزش و گزاره‌های سلسله خصوصیت-عملکرد آشکار-عملکرد پنهان در یافته‌های تحلیلی مسکن مهر اندیشه، نشان می‌دهد که معانی فرهنگی طی پیامدهای مشخص بر خصوصیات مسکن گروه کم‌درآمد تأثیرگذار

شکل ۱۲: سلسله «خصوصیت-عملکرد پنهان» حاکم بر خصوصیات مسکن مهر اندیشه



آن‌ها در ابعاد فرهنگی و به‌ویژه معنای محیط مصنوع دارد. مسکن مهر به‌صورت جامع در اغلب شهرهای ایران اجرا شده و یا در حال اجراست. جامعیت این طرح و حجم بالای افشار مخاطب آن نشان‌دهنده حساسیت و اهمیت موضوع پژوهش حاضر است. مطالعه معنای خصوصیات مسکن برای گروه کم‌درآمد ساکن در مسکن مهر به‌عنوان مهم‌ترین بعد کیفی مسکن، آشکارکننده وجوه پنهان خصوصیات مورد نظر ساکنان و معانی حاکم بر آن‌هاست. ساختار معنای خصوصیات مسکن بازتابی معنایی است که توسط فرد درک شده است و به‌طور کلی از آنجایی ارزش‌ها و معانی ذهنی افراد در گروه‌های فرهنگی

روشنمندی این پژوهش به فهم خصوصیات فضای داخلی مسکن و کشف وجوه معنادار آن برای کاربرد در طراحی کمک می‌کند، به نحوی که با ایجاد خصوصیات مشخص در محیط مسکن می‌توان معانی ذهنی افراد بهره‌بردار را پاسخگو بود. در انجام این تحقیق انتخاب محیط مناسب تحقیقاتی اهمیت خاصی داشت. مسکن گروه کم‌درآمد حساس‌ترین و اساسی‌ترین بخش برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی است که مستلزم توجه و مطالعه در دو بعد کمی و کیفی است. ساختار سیاست‌ها و برنامه‌های طراحی مسکن برای افشار کم‌درآمد، نیاز به تعریف، شناسایی و درک مسکن این نواحی، در مورد ویژگی‌های

مختلف انجام شود و با نتایج پژوهش حاضر مورد مقایسه تطبیقی قرار گیرد. با مقایسه این معانی می‌توان به نتایج مهمی در زمینه تفاوت‌های معانی ذهنی ساکنان دست یافت و تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و طراحی برای گروه‌های فرهنگی مختلف را در چارچوب نتایج حاصل ارتقا بخشید.

مختلف متفاوت است، به نظر می‌رسد می‌توان با بررسی گروه افراد خاص با سطح زندگی یکسان، وجوه مشترک و معناداری برای مطالعات انسان محیط فراهم آورد که متفاوت از سایر گروه‌های فرهنگی باشد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی ارائه شده معانی خصوصیات مسکن برای گروه‌های فرهنگی

پی‌نوشت

1. Concept of Housing
2. Meaning Structure
3. Functional Meanings
4. Values
5. Semi-Structured Laddering Technique
6. Implication Matrix
7. Hierarchical Value Maps
8. Object
9. User
10. Ecological Perspective

۱۱. رویکرد اکولوژیک به معنای مسکن، در دهه گذشته مود توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. این رویکرد که از نظریه‌های مهم رفتار در محیط است، با تأکید بر تعاملات مداوم فرد با خصوصیات معنادار محیط مقاصد و نیت فعالیت‌های انسان را مورد توجه قرار می‌دهد و به جای مطالعه آزمایشگاهی رفتار، به رفتار فرد در محیط زندگی روزمره توجه دارد (Coolen, 2007, p. 2).

12. Krampen
13. Attribute
14. Consequence
15. Value
16. Bottom-up

۱۷. یک مثال ساده از این مدل در محیط مسکونی می‌تواند چنین باشد: پنج اتاق (ویژگی)، فضای بیش‌تر (پیامد) و خلوت (ارزش).

18. In-Depth Interview Technique
19. Content-Analysis
20. Summary Meaning Structure Chain
21. Hierarchical Value Map (Hvm)
22. Fractional

REFERENCES

- Ahari, Z. (1995). Experience of Social Housing in Other Countries: Cases to Be Studied In Iran. Proceedings of the First Seminar on Housing Development Policies in Iran. Ministry of Housing and Urban Development, National Land and Housing Organization.
- Charmaz, K. (2006). Constructing Grounded Theory, a Practical Guide Through Qualitative Analysis. London: Sage Publications. <https://www.amazon.com/Constructing-Grounded-Theory-Qualitative-Introducing/dp/0761973532>
- Coolen, H. (2006). The Meaning of Dwellings: An Ecological Perspective. *Housing, Theory and Society*, 23, 185-201. https://www.researchgate.net/publication/255604181_The_Meaning_of_Dwellings_an_Ecological_Perspective
- Coolen, H. (2007). Measurement and Analysis of Less-Structured Data in Housing Research. *Open House International*, 32(3), 55-66. https://www.researchgate.net/publication/292104902_Measurement_and_Analysis_of_Less_Structured_Data_in_Housing_Research
- Coolen, H. (2008). The Meaning of Dwelling Features: Conceptual and Methodological Issues. IOS Press, Amsterdam. <https://books.bk.tudelft.nl/index.php/press/catalog/book/isbn.9781586039554>
- Coolen, H., & Hoekstra, J. (2001). Values as Determinants of Preferences for Housing Attributes. *Journal of Housing and the Built Environment*, 16, 285-306. https://www.researchgate.net/publication/226030666_Values_as_determinants_of_preferences_for_housing_attributes
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques. London: Sage Publications. <https://www.amazon.com/Basics-Qualitative-Research-Procedures-Techniques/dp/0803932510>
- Council of Ministers. (2010). The Executive Code of the Law on the Regulation and Protection of Housing Production. Information website: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/135262>
- Easthope, H. (2004). A Place Called Home. *Housing, Theory and Society*, 21(3), 128-138. https://www.researchgate.net/publication/259782625_A_Place_Called_Home
- Ghaleñoie, M., Salehinia, M., & Peymanfar, S. (2016). Design Policy of Urban Space in Jarop Isfahan. *Journal of Iranian Islamic City*, 21, 57-66. <https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=273911>
- Gurran, N. (2008). Affordable Housing: A Dilemma for Metropolitan Planning? *Urban Policy and Research*, 26(1), 101-110. https://www.researchgate.net/publication/249017426_Affordable_Housing_A_Dilemma_for_Metropolitan_Planning
- Gutman, J. (1982). A Means-End Chain Model Based on Consumer Categorization Processes. *The Journal of Marketing*, 46(2), 60-72. <https://doi.org/10.2307/3203341>
- Huttman, E. (1993). The Homeless and Doubled-up Households. In E.G. Arias (ed), *The Meaning and Use of Housing: International Perspectives: Approaches and Applications*. Aldershot: Avebury. <https://www.amazon.com/Meaning-Use-Housing-International-Perspectives/dp/1856281590>
- Kenyon, L. (1999). A Home Away from Home: Students' Transitional Experience of Home. In T. Chapman & J. Hockey (Eds.). *Ideal Homes? Social Change and Domestic life*. London: Routledge. <https://www.amazon.com/Ideal-Homes-Social-Change-Experience/dp/0415171229>
- Krampen, M. (1979). *Meaning in the Urban Environment*. London: Pion. <https://www.amazon.com/Meaning-Urban-Environment-M-Krampen/dp/0415418321>
- Krippendorff, K. (2018). *Content Analysis: An Introduction to Its Methodology*. The Annenberg School for Communication, University of Pennsylvania. <https://www.amazon.com/Content-Analysis-Introduction-Its-Methodology/dp/1412983150>
- Lee, E., & park, N. (2010). The Meaning of Dwelling for Temporary Residents from Different Cultures. *International Journal of Architectural Research*, 4(1), 111-129. https://www.researchgate.net/publication/43529967_The_Meanings_of_Dwelling_Attributes_for_Temporary_Residents_from_Different_Cultures_The_Case_of_Korean_Temporary_Residents_in_the_United_States
- Meesters, J. (2009). The Meaning of Activities in the Dwelling and Residential Environment. A Structural Approach in People-Environment Relation. Amsterdam: IOS Press. <https://www.amazon.com/Meaning-Activities-Dwelling-Residential-Environment/dp/1607500124>
- Momtaz, sh., Rafieian, M., & Aghasafari, A. (2016). Principles, Dimensions and Residential Satisfaction Variables in Mehr Housing Planning. *Journal of Urban Study*, 19, 27-36. <https://www.magiran.com/paper/1919009>
- Moore, J. (2000). Placing Home in Context. *Journal of Environmental Psychology*, 20, 207-217. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494400901786>
- Rapoport, A. (1988). Spontaneous Settlements as Vernacular Design, in C.V. Patton (ed.), *Spontaneous Shelter: International Perspectives and Prospects*. Philadelphia: Temple University Press. <https://www.amazon.com/Spontaneous-Shelter-Carl-Patton/dp/0877225079>

- Rapoport, A. (1990). *The Meaning of the Built Environment. A Nonverbal Communication Approach*. United States of America: The University of Arizona Press. <https://www.amazon.com/Meaning-Built-Environment-Non-verbal-Communication/dp/0816511764>
- Rapoport, A. (1995). A Critical Look at the Concept 'Home'. In: Benjamin, D.N.A., and Stea, D. (eds.). *The Home: Words, Interpretations, Meanings, and Environments*. Aldershot: Avebury.
- Reynolds, T.J., Dethloff, C., & Westberg, S.J. (2001). Advancements in Laddering, in: Reynolds, T.J. and J.C. Olson (Eds), *Understanding Consumer Decision Making. The Means-end Approach to Marketing and Advertising Strategy*. Erlbaum: Mahwah. https://www.amazon.com/dp/080581731X/ref=rdr_ext_tmb
- Reynolds, T.J., & Gutman, J. (1984). Advertising in Image Management. *Journal of Advertising Research*, 24(1), 27-36. <https://psycnet.apa.org/record/1984-21993-001>
- Reynolds, T.J., & Gutman, J. (1988). Laddering Theory, Method, Analysis, and Interpretation. *Journal of Advertising Research*, 28, 11-31. <http://thomasjreynolds.com/pdf/Reynolds.Laddering.Theory.Method.Analysis.pdf>
- Saldana, J. (2010). *The Coding Manual for Qualitative Researchers*. London: Sage Publications. <https://www.amazon.com/Coding-Manual-Qualitative-Researchers-Third/dp/1473902495>
- Sheth, J.N. (1983). *An Integrative Theory of Patronage Preference and Behavior*. London: Sage Publications.
- Sixmith, J. (1986). The Meaning of Home: An Exploratory Study of Environmental Experience. *Journal of Environmental Psychology*, 6, 281-298. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494486800020>
- Vriens, M., & Hofstede, F.T. (2000). Linking Attributes, Benefits, and Consumer values. *Journal of Advertising Research*, 12(3), 4-10. https://www.researchgate.net/publication/285099049_Linking_attributes_benefits_and_consumer_values
- Zabetian, E., Sadeghi, A., & Hosseinabadi, S. (2017). Assessing the Satisfaction of Residents of Mehr Housing Projects with Emphasis on the Evaluation of Objective Components. *Journal of the Scientific Society of Architecture & Urbanism, Iran*, 14, 173-184. http://www.isau.ir/article_62073.html
- Zinas, B.Z., & Jusan, M.B.M. (2011). Methodological and Conceptual Framework of Means-End Chain Model for Housing Environment Research. *ATBU Journal of Environmental Technology*, 4(1), 79-93. <https://www.ajol.info/index.php/atbu/article/view/83757/73770>

نحوه ارجاع به این مقاله

خراسانی مقدم، صبا؛ مظفر، فرهنگ و حسینی، سید باقر. (۱۳۹۹). سنجش معنای خصوصیات مسکن با بهره‌گیری از روش ساختار معانی، مورد مطالعاتی: مسکن مهر اندیشه (پبله سحران) اردبیل. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۳(۳۳)، ۷۵-۹۰.

DOI: 10.22034/AAUD.2019.168788.1796

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_127658.html

